



اگرچه تلخ؛ اگرچه سخت

داستان آدم هایی که سرشان توی لاک خودشان است

لادن عظیمی
خبرنگار

کلمه «باخه» اولین بار در کلیله و دمنه به چشم خورد. باب بوزینه و باخه. معنی اش را نمی دانستم. در جست و جویم به لاک پشت رسیدم. حالا بعد از چند سال همین «باخه» روی جلد کتابی توجهم را به خود جلب کرد تا بخوانم اش. عنوانی که مثل کلیله و دمنه خواننده اش را معطل جستن و گشتن نمی کند و خودش صریح و روشن می گوید: «باخه یعنی لاک پشت»

«باخه یعنی لاک پشت» نام اثری از الهام اشرفی است که در ۱۱۳ صفحه، در قطع جیبی از انتشارات نیستان منتشر شده است. این کتاب مجموعه ای از ۱۲ داستان کوتاه است که محوریت اکثر آنها زنان هستند.

الهام اشرفی در این کتاب راحت و بی پیرایه قصه می گوید. داستان های این مجموعه در کنار زبانی روان، از پیزنگی محکم برخوردارند. تعلیق ها در زمان درست اتفاق می افتد و قلاب داستان در بهترین شکل ممکن خواننده را مشتاق ادامه قصه می کند و این ها همه در بستر نثری بی تکلف اتفاق می افتد.

به بیانی دیگر داستان های «باخه یعنی لاک- پشت» تمام مؤلفه های یک داستان کوتاه خوب را در خود دارند. از شروعی گیرا تا پایانی شوکه کننده. ایجاز هم از نکات قابل توجه کتاب است. اشرفی در هر داستان سریع رفته سراصل مطلب و مقدمه چینی غیر ضروری ندارد. او خیلی سریع مخاطبش را وارد دالان تعلیق می کند و همین کار ضرباهنگ خوبی به داستان هایش بخشیده است.

همه داستان های این مجموعه نیز در عین اینکه کاملاً مستقل هستند و ربطی به هم ندارند؛ با نخی نامرئی به یکدیگر متصل می شوند. به این شکل که در هر داستان ردی از آدم های داستان قبلی، ولو به اندازه یک جمله، وجود دارد که مخاطب را از سرنوشت شخصیت های داستان قبل مطلع می کند. همین کار به ظاهر ساده، پویایی شخصیت های داستان را تا پایان حفظ می کند. گویا تولد و حیات این شخصیت ها در بند شروع و پایان داستان نیست و آنها در متن زندگی جاری اند.

آدم های «باخه یعنی لاک پشت» آدم های معمولی اطراف ما هستند. آنها هیچ ویژگی خاصی ندارند که از دیگران متمایزشان کند اما داستان های خاص خود را دارند. داستان هایی که شاید همه ما یک روزی توی مهمانی زنانه ای یکی از آنها را شنیده باشیم. یا یک روزی دوستی با ما تماس گرفته باشد و واقعه ای را، آنچنان که در یکی از داستان های این کتاب رخ داده، برای ما تعریف کرده باشد. اصلاً شاید ما، من و شما، روزی در یکی از همین داستان ها زندگی کرده باشیم. داستان آدم هایی که سرشان توی لاک خودشان است و دغدغه های کوچکی دارند اما در پشت دغدغه های کوچک شان نیازهای دیده نشده، سال های نزیسته، عقده ها و حسرت های ریزو درشت دیده می شود. بله «باخه یعنی لاک- پشت» و آدم هایش همین قدر معمولی و ساده- اند و زندگی از دل همین معمولی بودن شان می جوشد. اگرچه تلخ. اگرچه سخت.



منتظر نشسته ایم شما بگویید

بچه خودمان را چه طور تربیت کنیم؟!

یا چه طور هزاران جلد کتاب راهنمای فرزندپروری قفسه کتاب مادران را درنوردید؟

والدین خوب یا بد؟

انتشار روزافزون کتاب ها و برگزاری بی شمار کارگاه برای تربیت فرزند، دانش و آگاهی والدین را در فرزندپروری بالا برده است اما احساس کفایت آنها روز به روز کمتری می شود. به علاوه مشکلات و چالش های این راه هم روبرو به کاهش نیست و مدام افزایش می یابد. پس یک جای کار می لنگد! در این نوشتار سعی کرده ام بنا بر تجربه به چهار علت این تناقض در فضای فرزندپروری بپردازم و در نهایت دو سه کتاب محدود معرفی کنم، باشد که نقش خودم را در کاهش این سردرگمی ایفا کرده باشم.

زیاد می خوانیم و می شنویم اما نمی توانیم به آن عمل کنیم

هزاران راه برای از پوشک گرفتن، هزاران بازی برای کاهش اضطراب، هزاران قانون برای کاهش لجبازی. درست است، از بین این حجم راهکار نمی-توان هیچ کدام را پی گرفت. چون در بزنگاه عمل، تنها، کاری را می کنید که آسان تر است. یکی از پررنگ ترین انتقادات به کارگاه های فرزندپروری این است که اطلاعات بی شماری را به مغز مخاطب تزریق می کنند و در هنگامه عمل خودشان را کنار می کشند. از این رو بهتر است از کتاب یا کارگاهی دستورالعمل بگیریم که به اصطلاح فالوآپ داشته باشد؛ به این معنی که پس از اتمام کارگاه زمانی به شما بدهد تا بتوانید توصیه ها را عملی کنید و بعد دوباره فرصتی داشته باشید که با استاد چالش های خود را مطرح کرده و اشکالات کار خود را بپایید. در مورد کتاب هم، بهترین کتاب آن است که تمرین داشته باشد تا شما بتوانید کلام و دیدگاه خود را تصحیح کرده و روی کاغذ بیاورید. یک نکته کوچک؛ هیچ کارگاه یا کتابی را پیش از ارزیابی خودتان آغاز نکنید. مرحله اول تغییر، خودآگاهی است. ابتدا ببینید چه طور والدی هستید؟ واقعاً و در عمل واکنش ها و قوانین تان چه ویژگی هایی دارد. نقاط مثبتتان را ببینید و چک لیستی برای نحوه عملکرد خود داشته باشید. شاید شما همان والدی باشید که می خواهید! فقط نمی دانید!

کتاب پیشنهادی تربیت فرزند که مشکلات مذکور را نداشته باشد؛ به بچه ها گفتن از بچه ها شنیدن (دو جلد)،

زهرا بزرگ زاده

روانشناس کودک

تا به حال برایتان پیش آمده که از شدت فشار اجتماعی و باید ها و نبایدهای دیگران در مورد تربیت فرزندتان خسته و کلافه شده باشید؟ حدس می زدم این سوالات و توصیه ها شما را هم آزار داده باشد: «هنوز از شیرنگرفتنش؟» «کارگاه رویاتیکی می ذارینش؟» «نباید این طوری بهش بگی، بگو...» و هزاران دیالوگ دیگر که به شما، نفر تراز اول زندگی کودکان، می گوید چه کار بکن و چه کار نکن. از این ها بدتر هم شاید این است که این انتظار اجتماعی از مادران وجود دارد که کارگاه های مختلف گذرانده باشند و کتاب های بی شماری برای پیدا کردن بهترین، به روزترین و علمی ترین رویکرد تربیت فرزندش خوانده باشند. احساسی که اغلب در پی این توصیه ها و انتظارات می آید، احساس بی کفایتی است. مادر فوراً احساس می کند اگر بر لبه آخرین توصیه های فرزندپروری راه نرود، مادر خوبی نیست و فرزندش از فرزندتان مادران به روز عقب می افتد.



هر چند انتشار روزافزون کتاب ها و برگزاری بی شمار کارگاه برای تربیت فرزند، دانش و آگاهی والدین را در فرزندپروری بالا برده است اما احساس کفایت آنها روز به روز کمتری می شود. به علاوه مشکلات و چالش های این راه هم رو به کاهش نیست و مدام افزایش می یابد. پس یک جای کار می لنگد!

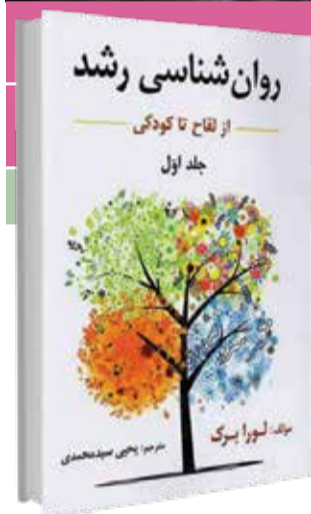
نوشته ادل فابرو والین مازلیش ترجمه فاطمه عباسی فر، انتشارات دایره

راه حل واحد برای مسائل متعدد

کتاب ها و کارگاه ها می گویند مسأله الف راه حل ب را دارد. بیستر مسائل هم عمدتاً یک خانواده کاملاً نرمال است. با حضور هردو والد، در وضعیت اقتصادی معقول و با والدینی که اغلب شغل عادی ای دارند، به دور از هرگونه شرایط خاص. اما واقعاً می شود مسائل پیچیده تر را با راه حلی همگانی حل کرد؟ قطعاً خیر. پس اگر در شرایطی هستید که با شرایط خانواده مطرح شده در کتاب یا کارگاه شباهت ندارد، مثلاً پدر خانواده دو هفته خانه است و دو هفته نیست، کس دیگری باشما زندگی می کند، فرزندتان یا یکی از اعضای خانواده بیماری خاص دارید و... خودتان را برای انجام تمام توصیه های یک کتاب یا کارگاه تحت فشار نگذارید. می توانید در صورتی که نتوانستید با مسأله ای در مدتی طولانی کنار بیایید، از روانشناس کمک بگیرید تا پس از شنیدن شرایط شما بتواند ذهنتان را برای یافتن راه حلی بهتر روشن کند. یک نکته کوچک؛ روانشناسی که حسین مشاوره دادن، مدام تشویقتان می کند در کارگاه هایش شرکت کنید، چندان قابل اعتماد نیست. کتاب پیشنهادی که سعی کرده شرایط متفاوتی را در نظر بگیرد؛ کودک، خانواده، انسان. نوشته ادل فابرو والین مازلیش، ترجمه گیتی ناصحی، نشر نی

دور انداختن دردسترس ترین نسخه کامل برای تربیت فرزند

بله درست است، ما بزرگسالان خودمان



محصول یک نسخه کامل تربیت فرزند هستیم که والدینمان روی ما پیاده کرده اند. ممکن است از جاهایی از تربیت شان را دوست نداشته باشیم و حتی از آنها بابت بخش هایی از تربیت شان خشمگین باشیم. اما کفه ترازوی رضایت ما از تربیت والدینمان همیشه به یک سو سنگین تر نیست. وقتی فرزند در خانواده به دنیا می-آید سبیل توصیه ها و نصایح به گوش مادر و پدرش از تمامی اعضای با تجربه خانواده روانه می شود. در مقابل این اتفاق می توانیم تمامی تجربیات شان را دور بیندازیم و از نو با کتاب ها، کارگاه ها و فکر خودمان کار را جلو ببریم و در عین حال می توانیم همچون ماهیگیری توانا، از میان تجربیات و نصایح دریافتی، آنچه را مفید و با کارکرد دارند که برای تربیت خودمان و مادر همسرمان توصیه هایی را اجرا کنیم. فراموش نکنیم که مادر خودمان و مادر همسرمان توصیه هایی برای تربیت فرزند دارند که برای تربیت ما و همسرمان کارکرد خوبی داشته و چون فرزند ما هم از همان ذخیره ژنتیکی است، احتمالش زیاد است که برای او هم مفید واقع شود. یک نکته کوچک؛ تربیت فرزند، صحنه جنگ ما با پدر و مادرمان نیست. کاش بتوانیم از گره های شخصی مان عبور کنیم و با تربیت متفاوت فرزندمان سعی نکنیم اشتباهات والدینمان را بهشان گوشزد کنیم.

سخن آخر

در نهایت برای معرفی سومین کتاب در این متن می خواهم به سراغ کتابی درباره رشد بروم. هر کتابی که بتواند به شما اطلاعاتی درباره رشد جسمانی، شناختی و روانی-اجتماعی کودک بدهد می تواند از جنبه های زیادی خیالتان را راحت کند. شما می توانید در این حوزه جست و جو کنید و کتابی را که دوست داشتید انتخاب کنید. پیشنهاد من هم کتاب روانشناسی رشد، نوشته لورا برک، ترجمه یحیی سید محمدی، نشر ارسباران است.



در هر داستان ردی از آدم های داستان قبلی، ولو به اندازه یک جمله، وجود دارد که مخاطب را از سرنوشت شخصیت های داستان قبل مطلع می کند. همین کار به ظاهر ساده، پویایی شخصیت های داستان را تا پایان حفظ می کند. گویا تولد و حیات این شخصیت ها در بند شروع و پایان داستان نیست و آنها در متن زندگی جاری اند